

## حکایت جالب دیگر جناب شیخ ابوالحسن خرقانی

دوستان عزیز و خواننده گان محترم :

میگویند که روز جناب حضرت سلطان شیخ ابوالحسن خرقانی همراهی چندتن از مریدان و اخلاصمندان خود در گوشه صحن مسجد شریف نشسته و با هم سرگرم صحبت های تصوفی بوده اند که در همین اثنا از جانب حضرت پروردگار عالم بالایش الهام شده که یا ابوالحسن خرقانی توجه داری که خود را اینقدر بالای بنده گانم ساخته و میسازید.؟

جناب خرقانی صاحب فورا بجواب الهام خداوندی گفتند که یا حضرت الهی چیزیکه من دارم آنرا تونداری .

لحظه ای بعد باز هم بالایش الهام شده که ای شیخ ابوالحسن خرقانی تو چرا اینقدر دروغ میگوئی که خداوندا آنچه را که من دارم آنرا تونداری .

پس در آنصورت نمیدانیکه من سلطان هر دو جهان بوده و هستم و تویجز همین چند نفر مریدان لنگ و لاش دیگر کی را با خود داشته و دارید .

جناب سلطان شیخ ابوالحسن خرقانی فوراً بجواب فرمان حضرت پروردگار عالم عرض نموده و گفتند که یا حضرت الهی من بمثل توواری خدای بزرگ و مهربان داشته و دارم .

پس در آنصورت تو کی را دارید که مرا تانه میدهید؟

بانهم از جانب حضرت پروردگار عالم بالایش الهام شده که ای نازدانه من تو راست میگوئی کسی را که توداری من ندارم .....



دوستان عزیز این حکایت را که در سال ۱۳۴۸ از زبان دوستم جناب مرحوم غلام ربانی جان دوکاندار واقع بازارده همزنگ شهر کابل شنیده بودم آنرا نقل قول بشما نگاشته امیدوارم که مورد علاقه تان قرار گرفته باشد روحیش شاد و یاداش گرامی باد .  
قابل یاد آور است تا گفته شود که جناب غلام ربانی جان در اثنا گذاشتن سنگ تهداب مسجد شریف اولیای کرام جناب بابا صاحب حصارک لوگر در منزل شخصی بنده واقع قسمت ( ب ) خوشحالخان دیده مشود .

والله علم وبالصواب

ماه دسمبر ۱۹۹۸ مطابق یازده هم برج قوس ۱۳۷۷ شمسی

نوشته عزیز حیدری

از کشور سویدن

شهر گوتنبرگ

[AzizHaidari@hotmail.com](mailto:AzizHaidari@hotmail.com)